

افسانه‌های یهودی و خطر بزرگ

بخش دوم

پولس رسول به روشنی از «افسانه‌های یهودی» سخن می‌گوید و نسبت به خطر مرگبار آن‌ها هشدار می‌دهد. این افسانه‌ها صرفاً داستان‌های تخیلی عامیانه نیستند، بلکه به سنت‌های تفسیری و روایی خارج از متن مکتوب اشاره دارند: میدراش‌های داستان‌پردازانه، نسب‌نامه‌های بسطیافته، و آنچه بعدها در قالب سنت شفاهی و تلمودی تثبیت شد. روایت‌هایی که خلأهای متن را با افزوده‌های انسانی پر می‌کنند و مرجعیت را از وحی مکتوب می‌ربایند.

پولس این جریان را انحراف‌آفرین می‌داند؛ زیرا ذهن را از اطاعت از حقیقت به سوی مجادله و داستان‌سازی می‌کشاند:

«اما از افسانه‌های یهودی و فرمان‌های مردمانی که از حقیقت روی می‌گردانند، اجتناب نما.» (تیتس ۱: ۱۴)

و نیز:

«و نه به افسانه‌ها و نسب‌نامه‌های بی‌پایان مشغول شوند که بیشتر باعث مجادله می‌گردد تا بنای خدا که در ایمان است.» (اول تیموتائوس ۱: ۴)

پطرس رسول دقیقاً در همین بستر سخن می‌گوید. وقتی اعلام می‌کند که پیام رسولان مبتنی بر «افسانه‌های ساختگی» نیست، مرز روشنی میان شهادت رسولی و روایت‌های غیرالهامی ترسیم می‌کند؛ همان سنت‌هایی که در سده نخست، پیوسته تکرار و بازآفرینی می‌شدند:

«زیرا هنگامی که شما را از قدرت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح آگاه ساختیم، از افسانه‌های ساختگی پیروی نکردیم، بلکه شاهدان عینی جلال او بودیم.»

(دوم پطرس ۱: ۱۶)

پطرس سپس معیار نهایی را اعلام می‌کند: نبوت؛ نه محصول اراده انسان است و نه زاده تخیل مفسر. منشأ آن روح القدس است:

«زیرا هیچ نبوتی هرگز به اراده انسان پدید نیامده است، بلکه مردمان به تحریک روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.»

(دوم پطرس ۱: ۲۱)

در این‌جا هم‌گرایی رسولان آشکار می‌شود:

پولس از بیرون متن هشدار می‌دهد و پطرس از درون نبوت دفاع می‌کند؛ هر دو یک دشمن را نشانه می‌گیرند؛ منبع غیرالهامی. نتیجه این هم‌گرایی، تثبیت مرجعیت یگانه متن مکتوب است.

پطرس کلام نبوتی مکتوب را «چراغی درخشان در جای تاریک» می‌نامد؛ تصویری از کارکرد هدایت‌گر متن الهامی در جهانی آکنده از تاریکی تفسیری و سنت‌سازی:

«و کلام نبوتی را استوارتر داریم، که نیکو می‌کنید اگر به آن توجه نمایید، چون چراغی است درخشان در مکانی تاریک، تا روز بدرخشد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند.» (دوم پطرس ۱: ۱۹)

این همان کلامی است که در توصیفی بی‌تعارف چنین معرفی می‌شود:

«زیرا کلام خدا زنده و مؤثر و بُرنده‌تر از هر شمشیر دو دم است و تا جدایی جان و روح و مفاصل و مغز استخوان نفوذ می‌کند و افکار و نیت‌های دل را داوری می‌نماید.»

(عبرانیان ۴: ۱۲)

بر این اساس، کلیسا به «تورات شفاهی»، سنت‌های تلمودی یا روایت‌های بیرون از متن نیازی ندارد. دعوت رسولان روشن است: وفاداری مطلق به آنچه مکتوب است و پرهیز از هرگونه افزودگی و تجاوز تفسیری.

آنچه کلیسا نیاز دارد، انباشت سنت‌ها نیست، بلکه شبانان و معلمان مسح‌شده‌ای است که زیر نور روح القدس، تنها با تکیه بر کلام مکتوب خدا، بتوانند بی‌هیچ انحراف، به دشوارترین پرسش‌های کتاب مقدسی پاسخ دهند. اگر چنین معلمانی حاضر باشند، متن کفایت می‌کند؛ اگر نباشند، مشکل از متن نیست.

زیرا پولس بی‌ابهام اعلام می‌کند:

«تمامی کتب از الهام خداست و برای تعلیم و توبیخ و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و برای هر کار نیکو آماده گردد.»

(دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷)

دوگانه نهایی روشن است و راه سومی وجود ندارد:

یا کلام مکتوب کفایت دارد،

یا باید پذیرفت که رسولان دروغ گفته‌اند.

افزودن سنت‌های غیرالهامی به‌منزله تکذیب الهام و نفی کفایت متن است.

منابع:

کتاب مقدس

• The Holy Bible. English Standard Version. Wheaton, IL: Crossway, 2016

• The Holy Bible. New Revised Standard Version. Grand Rapids, MI: Zondervan, 1989

منابع پژوهشی:

Bauckham, Richard. Jude, 2 Peter. Word Biblical Commentary 50. Waco, TX: Word •
.Books, 1983

Fee, Gordon D. 1 and 2 Timothy, Titus. New International Biblical Commentary. •
.Peabody, MA: Hendrickson, 1988

Carson, D. A., and Douglas J. Moo. An Introduction to the New Testament. 2nd ed. •
.Grand Rapids, MI: Zondervan, 2005

بہروز صادق خانجانی